

متن پرسش

سلام استاد عزیز: در لشکر دوم جنود عقل و جهل، حضرت امام در بخشی می‌فرمایند: «با ذکر حقیقی، حجابهای بین عبد و حق خَزَق شود، و موانع حضور مرتفع گردد، و قسوت و غفلت قلب برداشته شود، و درهای ملکوت اعلیٰ به روی سالک باز شود و ابواب لطف و رحمت حق به روی او گشوده گردد.» و در ادامه می‌فرمایند: «برای زنده نمودن دل، ذکر خدا و خصوص اسم مبارک «یا حَیُّ یا قَیُّوم» با حضور قلب مناسب است.» من که هر چه تلاش می‌کنم در طول روز یادآوری خدا را در دل داشته باشم، باز هم حواسم جای دیگر است و پی دلخوشی خودش می‌رود. مدتی که می‌خواهیم هی یاد خدا کنیم، حواسمان پرت اینور و آنور است. راهی سریعتر و شتابان تر برای حضور یاد خدا وجود دارد؟ برای دل مرده ی ما که قرار است با ذکر خدا زنده شود، چه راهکار عملی وجود دارد؟ آیا مقصود همین اذکار و اوراد است که با تسبیح بگوئیم؟ در وادی عمل راهکاری وجود دارد تا بهتر به این امر دست یافت؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اذکار دینی در جای خود دل را متذکر مذکور می‌کند. مثل ذکر «یا حَیُّ و یا قَیُّوم» که حَیُّ حضرت حق دل را متوجه حیات بخشی او در همه عالم می‌نماید تا دل انسان زنده بماند و قَیُّوم بودنش، انسان را در عزم و اراده و در میدان ماندن کمک می‌کند. با این همه همین عبرت گرفتن‌ها که انسان‌های اهل ایمان نسبت به حادثه‌ها به دست می‌آورند، در جای خود توجه به حضور خدا و نوعی ذکر است. امام صادق (ع) در توصیف اباذر «رضوان الله تعالی علیه» می‌فرمایند: «كَانَ أَكْثَرَ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ خَصَلَتْ، التَّفَكُّرُ وَ الإِغْتِبَارُ» [۱]

بیشترین عبادت اباذر دو خصلت بود یکی تفکر و دیگر عبرت گرفتن از حادثه‌ها. چشم بصیری می‌خواهد که آدم متوجه شود در همه ی واقعه‌های عالم جای عبرت گرفتن است، به معنی عبور از ظاهر يك حادثه به سنت باطنی آن حادثه. ملاحظه می‌فرمائید که حضرت می‌فرمایند: اباذر اهل تفکر بود و این بیشترین عبادت اباذر بود و این را امام معصوم می‌فرمایند و آن کار را تأیید می‌کنند. از خود باید پرسید اباذر در این کار به چه چیزی رسیده و این تفکر چه تفکری است که بیشترین عبادت اباذر را تشکیل می‌داده است؟ این همان تفکری است که با ورع و از طریق ورع به دست می‌آید. موفق باشید

[١] (١) - الخصال، شيخ صدوق، ج ١، ص ٤٢.